

چرتکه مدل آریایی ۲۰۲۵

کتاب «چرتکه اکونومیک» که توسط دنیل محتسب آریادوست نوشته شده و توسط ماهان کاسب‌کار ویرایش و تصویرنگاری شده است پیرامون نحوه حساب و کتاب دخل و خرج زندگی یک انسان مابعد تاریخ مدل آریایی ۲۰۲۵ صحبت می‌کند.

نام کتاب با خلاقیت و ذکاوت آریایی- اروپایی انتخاب شده است.

این کتاب دارای نکاتی است که تاریخ مصرف ندارد و در تمام روزهای سال می‌تواند به داد جیب خواننده برسد و آن را مثل کویر لوت زیبا و خالی نماید طوری که بتوان در آن یک آتش باحال روشن کرد و با پخت مقداری جوج به همراه نوشابه حال اساسی کرد. دنیل به خواننده می‌فهماند فرهنگ و تجدد از چرک کف دست که همان مال و مثال خودمان است بهتر و ارزشمندتر است و باید بابتش هزینه پرداخت کرد.

دنیل آریادوست در قسمتی از این کتاب به خواننده آموزش می‌دهد پولش را برای کارهای امل‌مایانه و متعلق به چند صد سال قبل حرام نکند. بلکه روی کارهای چند هزار سال پیش سرمایه‌گذاری نماید.

او در قسمتی از کتاب در حالی که اشک‌هایش از زانوانش می‌چکد می‌نویسد: «افسوس که سالانه چقدر هزینه اضافی صرف پرچم و علم و طبل می‌شود، چه پرچم‌هایی که به در و دیوار نصب نمی‌شود. چه پول‌هایی که صرف می‌شود که در یک حسینه مراسم به‌پا شود. آخر تا چه حد ضرر اقتصادی را باید تحمل کرد؟ نیمکره چپ مغز آدمی از این همه اسراف درد می‌گیرد. بیهوده نیست روز به روز کورتکس مغز ایرانی‌ها نازک و نازک‌تر می‌شود. ایرانی لیاقت کورتکسی بیشتر از این را دارد.»

دنیل حسابگر در قسمت دیگری از کتاب با خنده‌ای از ته طحال می‌نویسد: «شما می‌توانید با یک درخت کاج ناقابل که یا از واسطه‌های درخت بُر به قیمت مناسب و لاکچری خریداری کرده‌اید و یا از پارک محله خود بریده‌اید کریسمسی را بر گزار کنید که نه تنها جیب شما را پُتر می‌کند بلکه کورتکس مغزتان را هم به ضخامت کورتکس مغز اروپایی‌ها می‌رساند. شما فقط به مشتری‌هایی فکر کنید که در حال نگاه کردن به نوک درخت کارت می‌کشند و قیمت پرداختی را نمی‌بینند. شما فقط به عکس‌های کنار درخت فکر کنید که کا فالوور به پیج شما اضافه می‌کند.»

دنیل با جادوی قلمش اضافه می‌کند: «آدم باید شعور مدرنیته داشته باشد. شعور مدرنیته یعنی نه تنها با به پای اسب پیشرفت بدوی بلکه پهن‌های آن را هم حرام نکرده، استفاده کنی و در جهت رشد سرمایه به کار ببری. این یعنی حسابداری و رشد. مدرنیته یعنی الاغت را زین کرده و با آن مثل اسب بتازی.

مهم نیست بابت تزئینات درخت کریسمس و حتی جشن آن چقدر هزینه کنی مهم این است که تاریخ آن را اشتباه نکرده و جشن را سر وقت بگیری که کنف نشوی.

مهم نیست چند مدل غذای انگلیسی و فرانسوی و غیره در جشن کریسمس سِرَو کنی مهم این است که بعد جشن چون سیر نشده‌ای قرمه‌سبزی از دیشب مانده در یخچال داشته باشی.»

در مورد این کتاب این توضیح لازم است که به نظر می‌رسد در قسمت‌هایی از کتاب کورتکس نویسنده کمی خشک شده و نیاز به آب بیشتری دارد تا رنگ‌های قاطی شده را شسته و مباحث به‌هم آمیخته را جدا نماید.

در ضمن لازم به توضیح است ماهان کاسب‌کار که نام وی روی جلد کتاب ذکر شده و در داخل کتاب ردی از آن به چشم نمی‌خورد احتمالا زیر درخت کریسمس پنهان شده و پول‌ها را می‌شمارد.

نه به ننه سرما، آری به بابانوئل



تا اسم ایران میاد آخر ادعایی موقع جنگ و سختی کجای ماجرای؟ با کاج و بابانوئل کلاس گذاشتی بازم کریسمست مبارک مستر آریایی طاهره ابراهیم‌نژاد

من که شدم عاشقِ کاج و برفش یلدا و چله رو زن تو حرفش هندونه رو ول کن و آتیش بزَن چشم کدو رو خالی کن تو ظرفش ابراهیم صفائی

آن جشن که آریایی و سنتِ ماست عید نوروز و مهرگان و یلداست با ما چه صنم داشت کریسمس؟ هالووین؟ اینقدر نیزب قیমে‌ها را در ماست آمنه آل‌اسحاق



عارفه زراعتی

ستون

روزی روزگاری حوالی قرن سوم در یکی از روستاهای رودک در سمرقند طفلی دیده به جهان گشود و طبق معمول نام‌گذاری ایرانیان (که اسم زادگاه را یک «ی» می‌چسباندند تنگش و تبدیش می‌کردند به نام وی می‌گذاشتند روی بچه‌شان) پدر بزرگوار طفل، نامی نوین را برای کودکش برگزید و وی را «رودکی» نامید. القصه! کودک ما به تحصیل علم و حفظ قرآن پرداخت به طوری که برخی می‌گویند وی از ۸ سالگی طبع شعر و شاعری‌اش گل انداخت و به سرودن اشعار پرداخت و کارش در حدی فاز بالا بود که در ابتدای جوانی، وزیر دربار سامانیان از وی دعوت کرد که در دربار سامانی، هنرش را به نمایش گذارد و این‌گونه شد که رودکی شاعر مقتدرترین و پولدارترین و خفن‌ترین پادشاه سامانی شد و همین‌طور چرک کف دست بود که به پاس خدماتش به تمدن ایرانی، تقدیمش می‌شد. مادر وی به تک تک در و همساده و دوست و آشنا گفته بود شازده پسرش پدر شعر فارسی و اولین شاعر پارسی‌گوی حوزه تمدن ایرانی در دوره ساسانی است که هر بار رودکی مجبور بود به مادر یادآوری کند که «سامانی است نه ساسانی» و مادرش هم پاسخ می‌داد: «اصلا عثمانی! چه فرقی می‌کنه؟ مهم رتبه اول بوده.»

القصه! جایگاه و مرتب‌ت رودکی در نزد شاه و درباریان چنان والا بود که اگر شاه به هرات می‌رفت و باز نمی‌گشت، همه دست به دامان وی می‌شدند که: تو را به پره‌ای قلمت قسم شعری بگوی و شاه را بازگردان که عنان مملکت از دست نرود.

و رودکی می‌سرود: «بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی» و گول بر سر پادشاه می‌آمد همی و بازمی‌گشت. وی آثاری چون کلیله و دمنه، سندبادنامه، اشعار غنایی و مدایح را از خود به جای گذاشت.

برخی آثار وی نیز معلوم نیست نگه‌دارندگان آن چه غلطی می‌کردند که فقط ۳ بیت از هر کدام مانده است! وی چنان در میان دوستانش محبوب بود که برخی او را «استاد» یا «سلطان» صدا می‌زدند... البته ممکن است رفیق جینگ‌هایش او را «ستون» نیز صدا کرده باشند.

بعد از برکناری شاه مقتدر، رودکی نیز با بی‌مهری و رنج و سختی مواجه شد و بخارا را به مقصد زادگاهش ترک کرد و در همان‌جا نیز در حالی که بنیایی‌اش را از دست داده بود، دار فانی را وداع گفت. روحش غریق رحمت باد.



مهدی سعیدی

کاش می‌شد

ای خداوند قادر متعال بکن امشب دل مرا خوشحال گرچه لطفت به بنده بسیار است سبد آرزوم سرشار است کاش می‌شد شبیه آن مسؤول توی فیش حقوق من پر پول بندبندش خراج کشور بود حق خواب از همه فزون‌تر بود بزنم با حساب چرت و ناهار صد و سی ساعتی اضافه کار کاش می‌شد سلبریتی باشم توی اینستا بخواهم و پا شم

توی هر رشته حرف‌ها بزنم که ببینید «من چقد خفنم» بنویسم به نقل از نیچه نسخه‌ای بهر رفع دل‌پیچه یا بگویم به جای موشک تیز

بگذارید ساز شورانگیز بزنم هی به یاد هموطنم چند بطری عرق به این بدنم این نشد کاش می‌شدم زرگر شاد بودم به رشد قیمت زر لااقل کاش می‌شدم دلال از گرانی همیشگی خوشحال

ای خدا می‌کند اشاره زخم کاش آقای‌مان ظهور کند چشم هر چه بدی است کور کند او بیاید که دفع شر گردد مهرهش «مرد رفته» برگردد



سوده پاکاری

تعویض مدل آرزوها

فرشته آرزوها: خب، آرزوی امسال؟ انسان اول: پارسال خانه خواستم، گرفتم. امسال همان خانه مثل قوطی کبریت است. لطفاً یک ویلا با استخر و باغ پرتقال. فرشته: (می‌نویسد) خانه قوطی کبریتی ارتقا یافت به ویلا. اگر همین‌طور پیش بروید، سال بعد کاخ سفید می‌خواهید.

انسان دوم: من پارسال شوهر خوب خواستم. خدا داد. حالا فقط یک آپدیت لازم است: کمی شبیه بازیگر محبوب شود یا دست‌کم بلد باشد ظرف‌ها را بشوید بدون اینکه کف آشپزخانه شبیه سد کرج شود.

فرشته: (با خنده) نسخه جدید شوهر: «مدل ظرف‌شوی ۲۰۲۵».

کودک: من پلی‌استیشن گرفتم. امسال اینترنت می‌خواهم که وسط بازی قطع نشود و یک ربات که تکالیف مدرسه را انجام دهد.

فرشته: (زیر لب) ربات برای تکالیف؟ پس معلم‌ها باید دعا کنند شما آرزوی‌تان برآورده نشود!

انسان سوم: ماشین دارم اما اگر خودش رانندگی کند، من فرصت دارم در ترافیک تخمه بشکنم. فرشته: چه عالی! ترافیک به سالن سینما تبدیل می‌شود. فقط جای پاپ‌کورن خالی است.

انسان چهارم: یخچال دارم، ولی اگر خودش پر شود، دیگر نیازی به صف فروشگاه نیست.

فرشته: (می‌نویسد) یخچال خودکار... خوب است، فقط امیدوارم خودش نصف شب هوس نکند خوراکی‌ها را بخورد!

جمع آدم‌ها: خب! مگر این شب برای همین نیست؟ هر سال کمی خیال تازه، کمی آرزوی متفاوت.

فرشته: (دفتر را می‌بندد) بله! شما هر سال فهرست بلندتری می‌آورید. من هم هر سال قلمم را تیزتر می‌کنم. راز این شب همین است: آرزوها تمام نمی‌شوند، فقط مدل‌شان عوض می‌شود... مثل گوشی‌های هوشمند، هر سال یک نسخه جدید!

نیازمندی‌ها

فروش ظروف شب یلدا
تعویض با درخت کریسمس

حراج
روبان و پاییون تم یلدایی
با قابلیت تغییر کاربری
در ولنتاین و سپندارمذگان

برگزاری جشن کریسمس برای ایرانیان داخل کشور
به دلیل رعایت نظافت، از آوردن آجیل شب یلدا خودداری فرمایید

خریدار گوزن‌های جوان
مناسب برای سورتمه‌کشی در شمشک و دیزین

فروش فوری کاج به مناسبت کریسمس
نصف قیمت بازار
بریده شده از وسط جنگل‌های بیرجند

آموزش تزئین درخت کریسمس
زیر نظر استاد یزدان‌پرست
موسسه کورش و داریوش



ک مثل کبک

- چی می‌خونی؟
+ عه! چه جالب! خبر داشتی ایران جزو ۱۰ کشور پیشرو در استفاده از رادیوداروهاست؟
- آره، واقعا جالبه! ینی فقط تو ایران ممکنه از رادیودرمانی برای درمان بیماری‌ها استفاده کنن.
+ رادیودرمانی چیه؟

- معلومه دیگه. چون تحریمیم و دارو نداریم، رادیو رو روشن می‌کنن، آهنگ شاد پخش کنه، آدم مریضی یادش بره.

+ بابا، چی میگی؟! رادیودارو یکی از راه‌های تشخیص و درمان بیماری‌هاست که از طریق انرژی هسته‌ای تولید میشه.

- بازم انرژی هسته‌ای. اینا این حرفا رو درمیان که بگن انرژی هسته‌ای خیلی گوگولی مگوله! به خاطر این انرژی هسته‌ای همش تحریمیم دیگه.

+ خب الان که این تولید مهم رو داریم، چرا باید انرژی هسته‌ای‌مون رو بدیم و از چنین چیز مهمی بگذریم؟ تازه به ۱۵ کشور هم صادرش می‌کنیم.

- دیدی؟ بیا! اصلا اونقدر صادرش می‌کنیم به عراق و این جور کشورها، که از اون پلاسیده‌های ته جعبه برای خودمون می‌مونه!

تازه باید کلی پول بسلفیم.

+ عه، اینو ببین! نوشته قیمت هر دوز این دارو برای صادرات ۱۵ هزار دلار است اما در کشور ایران به صورت رایگان به بیماران داده می‌شود.

- اصلا این چه روزنامه‌ایه داری می‌خونی؟ عقلت رو می‌دی دست این جمهوری اسلامی‌چی‌ها؟
+ آره راست می‌گی! به یارو گفتن آب رو دمر نخور، عقلت کم می‌شه. پرسید عقل چیه؟ گفتن هیچی. بخور بخور!

مناجات‌نامه عشق ۱۸

الهی شب آرزوها رسید لیکن این عبد دلشکسته به آرزوهایش نرسید.

در حسرت گرین‌کارت به هر دری زده، اما جواب نگرفته و این خیلی بد است.

از لایک پست‌های نتانیاهو تا جفتک‌اندازی به نظام مثل یابو، هیچ‌یک برایش نشد چاره. با اینکه شده بیماره.

باری! در این ایام مبارک کریسمس، به حق بنده خوبت عیسی مسیح، نظری ببینداز به حال این بنده سفیه تا بیش از این جگرش در حسرت LA نشود تشریح.

الهی نذری نمودم که بگذارم درخت کریسمس ورودی سیدالکریم که امسال شانسم نشود تحریم و لاتاری

برنده شده و شادی‌ام بشود تنظیم.

الهی ای آنکه به شادی مخلوقات شادی، به عشق تو پوشیدم لباس جذابی و شدم بابانوئل و دادم به سگ‌های ولگرد کباب و نودل. پس نظری فرما بر حال خراب این بنده ای عادل.

الهی این بنده هنوز امیدوار است برسد به نتیجه برجام و با رفقایاش بریزد توی خیابان و پلاکاردی بگیرد دستش که رویش نوشته باشد «ایولا! براگاااا».

آخر قولش را داده بود به ما کِری و مطمئن بودیم خارجی‌ها نمی‌گویند دری وری... (کاش صدای‌مان می‌رسید و بهش می‌گفتیم: «کِری! الی و بر پِری»)

پس ای آنکه نزد گمان خوش بنده‌هایی، ما را به خارج برسان تا کلاس‌مان برود بالا و به چشم ببینیم واقعیت‌های هالیوودی را نه در لالا.



گمشده

عده‌ای از نوادگان کورش گمشده‌اند! نامبردگان آخرین‌بار در صفوف خرید لباس و جوراب قرمز پاپائونلی، درخت کاج، گوشت بوقلمون و از این قبیل چیزها دیده شده‌اند. به گفته منابع آگاه آنها در لابه‌لای لباس بابانوئل‌ها پنهان می‌شوند. حتی امکان دارد خودشان را یک بابانوئل جا بزنند و در کریسمس نقش ایفا کنند.

از یابندگان خواهشمندیم هرچه زودتر به نام کورش پس‌گردنی روانه کله قناس این نوادگان ناخلف کنند تا از این بیشتر تن کورش را در گور نلرزاندند.

با تشکر

دبیر سرویس نثر: فاطمه بوجار
دبیر سرویس شعر: فریبا رئیسی
دبیر سرویس کارتون: نمین سلیمانی نژاد
صفه‌ار: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی
<https://zil.in/bashgahtanz>

